

دکتر ربیع بدیعی

استاد گروه جغرافیا.

## نگاهی

### به سرزمین جزایر و دریاچه‌ها

موقع جغرافیائی - کانادا کشوری است در دوسوی مدار قطبی معروف به «سرزمین جزایر و دریاچه‌ها» که تا يك میلیون سال قبل ۹۷٪ آن مستور از یخ بوده و تا ۱۷۰۰۰ سال پیش قسمت اعظم آن را یخ پوشانده بود و امروزه بطور تقریب ۱٪ از سرزمین آن زیر یخ قرار گرفته است.

کانادانام خود را به روایتی از بومیان هندی گرفته که آن در اصطلاح بومیان به معنی «دهکده» است و به روایت دیگر این نام از اسپانیائی‌ها است که به جستجوی طلا به این سرزمین آمده بودند و چون چیزی نیافتند نام کانادا را «به معنی هیچ چیز نیست» به آن نهادند.

بهر حال سرزمینی است وسیع به مساحت ۳,۸۵۲,۰۰۰ میل مربع یا ۷,۳٪ مساحت کره زمین (اتازونی ۶,۹٪) که از جزایر یخ بسته شمال تا جلگه‌های بری جنوب به مساحت ۲۸۷۵ میل و از ساحل اقیانوس اطلس تا کرانه اقیانوس کبیر بطول ۳۲۲۳ میل گسترده شده است. قسمت اعظم سرزمین کانادا در عرض بلند بین ۴۱ و ۴۱,۰۷ و ۸۳ درجه قرار گرفته است. این موقع جغرافیائی خصوصاً وسعت و تنوع جنس زمین به اضافه خشونت آب و هوا برای کانادا از لحاظ وضع طبیعی و انسانی و اقتصادی تضادهائی بوجود آورده است. جمعیت در جنوب و جنوب

شرقی آن متمرکز می‌باشد در حالی که در اراضی سرد شمال جمعیت بطور متفرق و پراکنده مشاهده می‌شود. جنگل و مراتع در جنوب سرشار است، در صورتیکه در شمال پوشش گیاهی بصورت تندرا از خزه و جگن ولیخن نمایان می‌باشد. ۸۰٪ از اراضی کشاورزی کانادا در غرب آن کشور قرار دارد در حالی که فقط ۲۰٪ از اراضی در سایر نواحی زیر کشت قرار می‌گیرد. کانادا کشور جزایر و دریاچه‌هاست، از دریاچه‌های پنجگانه<sup>۱</sup> که در مرز آن از ونی قرار دارد بگذریم ۹ دریاچه دیگر بطول متوسط ۱۰۰ مایل و ۳۵ دریاچه بطول ۵۰ مایل سطح کانادا را می‌پوشاند، به اضافه ۲ رود بزرگ سن لوران<sup>۲</sup> و ماکنزی<sup>۳</sup> آن را مشروب می‌سازد. سن لوران خود بتنهایی در طول ۱۹۰۰ مایل قابل کشتیرانی است.

اطلاعاتی که طی سالیان متمادی در صدها ناحیه از طریق بیش از ۲۴۰۰ ایستگاه هواشناسی که سالیانه بیش از ۲ الی ۳ میلیون گزارش تنظیم می‌کند بدست آمده نشان می‌دهد که آب و هوای کانادا بشدت متغیر و متفاوت است. استانهای غربی آن (سواحل اقیانوس کبیر) در تمام فصل زمستان ریزشهای جوی دارند، مخصوصاً سواحل جنوبی کلمبی بریتانیا<sup>۴</sup> بالاترین رقم بارندگی را داراست و متوسط باران در سال ۲۰۰ اینچ است. در ساحل شمالی کلمبی قسمت اعظم ریزش بصورت برف بوده متوسط ریزش برف در طول زمستان ۲۰۰ الی ۳۰۰ اینچ می‌باشد، حتی در بعضی نواحی متوسط سالیانه ریزش برف در طول پنج سال اندازه‌گیری از ۷۵۶ اینچ متجاوز بوده است.

عرض جغرافیائی بلند در شمال غربی کانادا که در آن سوی مدار قطبی واقع شده عامل عمده تشریح وضع آب و هوای این منطقه است، در طول زمستان طبقات برف و یخ سرزمین را می‌پوشاند، به علت فقدان آفتاب درجه حرارت خیلی پائین

---

۱- انتاریو - اریه - میشیگان - سوپریور - هورن

2-Saint - Laurent

3-Mackenzie

4-Colombie - Britannique

است هوای سرد يك مرکز فشار سنگین بوجود می آورد که مانع نفوذ هوای گرم جنوب بطرف شمال می شود. در قسمت اعظم از مناطق شمال درجه حرارت در دوره طولانی زمستان همیشه زیر صفر است متوسط آن تا ۳۵ - درجه فارنهایت در فوریه پائین می آید گاهی هم در برخی از سالها درجه حرارت خیلی پائین دیده می شود، چنانکه گفته می شود در اسناگ<sup>۱</sup> از استان یوکون<sup>۲</sup> درجه حرارت به ۸۱ - درجه فارنهایت هم رسیده است که در آمریکای شمالی تاکنون سابقه نداشته است.

در شرق کانادا (ساحل اقیانوس اطلس) آب و هوا بیش از غرب آن کشور (ساحل اقیانوس کبیر) بری است علت عمده آن جریان هوایی است که از غرب بطرف شرق توده هوای بری رامی آورد، و در دالان موازی ساحل اقیانوس اطلس عموماً هوا طوفانی است مخصوصاً وقتی که همراه بآباد شدید باشد موجب ریزش شدید در نواحی ساحلی می شود.

در زمستان این ریزش در نول اکس<sup>۳</sup> بصورت باران ولی در نیوبرانزویک<sup>۴</sup> بصورت برف می باشد. تابستان معمولاً خنک است.

جزایر سرزمین تازه (ارض جدید)<sup>۵</sup> در ساحل لابرادور<sup>۶</sup> اغلب تحت تأثیر هوای مرطوب اقیانوس دارای برف و باران می باشد.

طوفانهای ساحلی که به طرف شمال می وزد و از مشرق سرزمین تازه می گذرد با خود باد شدید که توأم با برف و باران است همراه دارد. در ساحل لابرادور

- 
- 1- Snag
  - 2- Yukon
  - 3- Nouvelle - Ecosse
  - 4- Nouveau - Brunswick
  - 5- Terre Neuve
  - 6- Labrador



درجه حرارت خیلی پائین است . ریزش‌های جوی آن بیشتر به علت نزدیکی به شمال بایرف توأم می‌باشد، چه توده هوای اقیانوس شمالی که به طرف جنوب شرقی سرازیر می‌شود و از لابرادور می‌گذرد درجه حرارت را پائین آورده هوا را بسیار سرد می‌سازد. در ناحیه جنوب شرقی (استانهای کبک و انتاریو) زمستان شمال و مرکز سرد، تابستان آن کوتاه و گرم می‌باشد. در اراضی پست سن لوران هر چند که درجه حرارت بالا است ولی نفوذ معتدل کننده دریاچه‌ها موجب می‌شود که حرارت بالا چندان محسوس نباشد ولی زمستانها سرد است، به علت سردی فوق العاده هوا برف فراوان و دائمی در این ناحیه می‌بارد، حرارت متوسط ژانویه در مونترال<sup>۱</sup> ۱۵ درجه، در اتاوا<sup>۲</sup> ۱۰ درجه، در تورنتو<sup>۳</sup> ۲۴ درجه فارنهایت می‌باشد. در استان انتاریو<sup>۴</sup> که قسمت اعظم سرزمین تحت تأثیر آب و هوای دریاچه‌های پنج گانه خصوصاً دریاچه سوپریور<sup>۵</sup> می‌باشد زمستان آن بر اثر نفوذ هوای شمالی سرد و خشک، درجه حرارت در ماه ژانویه بین ۱۸ و ۲۴ و تابستان آن بر اثر وزش سیکلونهای<sup>۶</sup> دارای بارندگی فراوان است. بارندگی متوسط سالانه آن بین ۳۰ و ۴۰ اینچ می‌باشد. درجه حرارت در ماه ژوئیه در انتاریو بین ۶۴ و ۷۰ درجه فارنهایت است که گاهی در این عرض جغرافیائی درجه حرارت به ۱۰۰ درجه فارنهایت هم می‌رسد.

در جلگه‌های چمنزار داخلی ارتفاعی که مانع حرکت هوای سرد شمال بطرف جنوب باشد و از طرفی دیگر سدی که مقابل هوای گرم جلگه‌های داخلی آمریکا بطرف شمال قرار گیرد وجود ندارد از این رو است که در نواحی داخلی کانادا

- 
- 1- Montréal
  - 2- Ottawa
  - 3- Toronto
  - 4- Ontario
  - 5- Superieur
  - 6- Cyclons

بین درجه حرارت تابستان و زمستان اختلاف فاحش وجود دارد. قابلیت تغییر هوای یکروز با روز دیگر بقدری شدید است که در هیچ نقطه کانادا نمی توان مشاهده کرد. در زمستان درجه حرارت غالباً زیر صفر است، رطوبت مطلق کم و بارندگی نادر می باشد باد سخت همراه با طوفان برف از مشخصات این ناحیه است. شدت و سرعت حرکت طوفان در بعضی از مواقع به حدی است که مانع دید شده و کلیه فعالیت های اقتصادی و اجتماعی را متوقف می سازد و این سرعت وزش ۲۵ تا ۵۰ میل در ساعت می رسد و گاهی هم به ۱۰۰ بالغ می شود. در تابستان جلگه های داخلی بیشتر از زمستان مرطوب است علت آن بیشتر بر اثر بادهای گرم و مرطوبی است که از نواحی داخلی اتا زونی به سوی کانادا می وزد و استان مانیتوبا<sup>۱</sup> و قسمت اعظم از استان ساسکاچوان<sup>۲</sup> را تحت تأثیر قرار می دهد.

### ویژه گیهای جمعیت کانادا

مطالعه وضع پراکنندگی جمعیت در کانادا چه از نظر توزیع آن در نواحی مختلف و چه از نظر نسبت شهرنشینی و روستانشینی خاصه عوامل افزایش جمعیت فوق العاده جالب است. کانادا در سال ۱۹۷۱ با ۲۱/۸ میلیون جمعیت ۶٪ جمعیت جهان (آمریکای شمالی جمعاً با ۳۲۱ میلیون ۹٪) را دارا بوده است و این جمعیت در سرزمینی به مساحت ۳,۸۵۲,۰۰۰ میل مربع که ۷/۳٪ مساحت کره زمین را شامل است پراکنده می باشند. از کل جمعیت ۱۶,۴۱۰,۷۸۰ نفر در شهرها و ۵,۱۵۷,۵۲۵ نفر در روستاها ساکن هستند<sup>۳</sup>.

کانادا طی ده سال اخیر افزایش جمعیتی معادل ۳,۳۱۰,۰۰۰ نفر داشته است و این افزایش در استانهای کانادا نامساوی بوده است. در سال ۱۹۶۱ از هر ۱۰۰ نفر

1- Manitoba

2- Saskatchewan

3- Canada - La Revue Annuelle (1973)



جمعیت کانادا ۳۴/۲ نفر در انتاریو و ۸/۹ نفر در کلمبی بریتانیا و ۷/۳ نفر در آلبرتا<sup>۱</sup> سکونت داشته‌اند، و این نسبت در سال ۱۹۷۱ در انتاریو به ۳۵/۷ و در کلمبی بریتانیا به ۱۰/۱ و در آلبرتا به ۷/۵ نفر افزایش یافته است، در حالی که در استان کبک<sup>۲</sup> از ۲۸/۸ به ۲۷/۹ و در استانهای ساحل اقیانوس اطلس از ۱۰/۴ به ۹/۶ و درمانی تو با از ۵/۱ به ۴/۶ و در ساسکاچوان از ۵/۱ به ۴/۳ نفر کاهش یافته است. افزایش سریع جمعیت در دهه اخیر بیشتر در شهرها دیده می‌شود چنانکه به موجب سرشماری سال ۱۹۶۱ در سال مذکور حدود ۱۱/۲ میلیون یا ۶۲٪ جمعیت کانادا در ۳۰۶ شهر بیش از ۵۰۰۰ نفری سکونت داشتند، در حالیکه در سال ۱۹۶۶ این رقم به حدود ۱۳ میلیون یا ۶۵٪ جمعیت رسیده که در ۳۲۵ شهر بیش از ۵۰۰۰ نفری سکونت داشته‌اند.

تعداد شهرهای بیش از ۵۰۰۰۰ نفر در سال ۱۹۶۶ به حدود ۴۰ رسیده بود در حالی که در سال ۱۹۶۱ از ۲۹ شهر تجاوز نمی‌کرد. این افزایش شهرنشینی شامل ۲۲ ناحیه کانادا بوده که جمعیت آن بین سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۶۶ حدود ۱۱٪ افزایش یافته است در حالی که در سایر نواحی بیش از ۵٪ افزایش بخود ندیده است. در سال ۱۹۶۱ معادل ۶۹٫۶٪ جمعیت کانادا در شهرها و ۳۰٫۴٪ در نواحی روستائی بسر می‌بردند و این نسبت در سال ۱۹۶۶ به ۷۶٫۱٪ برای شهرها به ۲۳٫۹٪ برای روستاها تغییر یافته است.<sup>۳</sup>

بین سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۷۱ در جمعیت بخش کشاورزی کاهشی معادل ۴۸۵،۴۱۶ نفر پیدا شده در مقابل به جمع روستاهای غیر کشاورزی حدود ۳۵۴۸۲۰ نفر

1- Alberta

2- Québec

۳- منظور از جمعیت روستائی افرادی است که در روستاها بسر می‌برند، خواه کسانی که در مزارع به کشاورزی اشتغال داشته باشند خواه نداشته باشند، و وسعت مزارع حداقل يك آکر (Acre) یا بیشتر و فروش سالانه ۵ دلار یا بیشتر باشد.

افزوده شده است و به طور کلی در سطح جمعیت روستائی حدود ۱۳۰۵۹۶ نفر کاسته شده است و در طول همین مدت به جمعیت شهری ۱۶۸۴۰۰۰ نفر یعنی ۱۶٪ افزوده شده است. بیش از نیمی از این افزایش در شهرهای بیش از ۵۰۰۰۰۰ نفر یا بیشتر بوده است. قسمت اعظم جمعیت کانادا در جنوب شرقی آن در سواحل سن لوران و دریاچه‌های پنج‌گانه متمرکز می‌باشد. چنانکه از کل جمعیت ۲۱/۸ میلیون نفر کانادا تنها ۱۱۲۰۰۰۰۰ نفر آن در استان کبک و انتاریو متمرکز هستند یا به عبارت دیگر از هر ۱۰۰ نفر ۶۳٫۶ نفر در این دو استان سکونت دارند.

از ویژگی‌های خاص جمعیت در کانادا مساله مهاجر پذیری این کشور است. کانادا با وسعت زیاد و جمعیت کم جهت استفاده از منابع ثروتی و ایجاد کار تسهیلات فراوانی برای مهاجرت به این کشور فراهم می‌سازد، مثلاً به مهاجرین تا حد تکمیل دو زبان مجاناً زبان تعلیم می‌دهد بلکه مبلغی هم ماهانه می‌پردازد. با این ترتیب بر تعداد مهاجرین به این کشور هر ساله افزوده می‌شود تا جائیکه در فاصله بین سال ۱۹۶۱ تا سال ۱۹۶۶ کانادا جمعاً ۵۳۹۰۰۰ مهاجر یعنی بطور متوسط هر سال حدود ۱۰۸۰۰۰ مهاجر پذیرفته و این رقم برای دوره ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۱ به ۸۹۰۰۰۰ یعنی سالانه بطور متوسط ۱۷۸۰۰۰ نفر بوده است.

جمعیت کانادا در سال ۱۹۷۲ برابر ۲۱۰۸۵۰۰۰۰ نفر برآورد شده که ۴۳/۸٪ آن را انگلیسی‌الاصل و ۳۰/۴٪ آن را فرانسوی‌الاصل و ۲۲/۶٪ آن را سایر اروپائیا و ۱/۲٪ آن را اسکیمو و بومیان هندی تشکیل می‌دادند. در شهر مونترال با ۱۰۱۹۷۰۰۰ نفر سکنه  $\frac{۲}{۳}$  آن مهاجرنشین فرانسه و ۲۰٪ آن از اصل انگلیسی هستند. شهر مونترال امروزه اصالت فرانسوی خود را حفظ کرده تا جائیکه جمعیت فرانسه زبان آن بیش از تمام شهرهای جهان جز پاریس می‌باشد. در استان کبک ۶۱۰۰۰ مزرعه وجود دارد که ۹۰٪ آن فرانکوفن هستند و در این استان ۸۳٪ فرانسه زبان و در شهر مونترال ۶۴٪ به زبان فرانسه تکلم می‌کنند.



۲۱٪ جمعیت کانادا فرانسه زبان می‌باشند و غالب مدیران مؤسسات عمده مانند بانک و تشکیلات صنعتی و تجارتنی کانادا به زبان فرانسه تکلم می‌کنند.

### امکانات توسعه اقتصادی

کانادا که در گذشته يك کشور کشاورزی بود و امروزه بیشتر به سوی صنعتی شدن تمایل پیدا کرده مع الوصف هنوز کار کشاورزی در کانادا ۲۵٪ از فعالیتهای آن کشور را تشکیل می‌دهد. از نظر صادرات محصولات کشاورزی این کشور ردیف چهارم را در جهان حائز است، در سال ۱۹۷۱ صادرات محصولات کشاورزی آن ۱۱٪ از کل صادرات این کشور تشکیل می‌داد. تولیدات کشاورزی و تولیدات سرانسه کشاورزان از سال ۱۹۶۰ تا چند سال اخیر سالانه بطور متوسط ۴/۸٪ افزایش یافته است در حالی که فعالیتهای غیر کشاورزی افزایشی بیش از ۲/۶٪ نداشت و امروزه يك کشاورز در کانادا برای ۴۰ نفر غذا تهیه می‌کند که ۸ بار بیش از ابتدای این قرن می‌باشد. از ۱۷۴ میلیون آکر<sup>۱</sup> زمین تحت کشت ۷۶٪ متعلق به کشاورزان و ۲۴٪ به اجاره است، ۸۰٪ از اراضی کشاورزی کانادا در غرب آن کشور قرار دارد، گندم - جو - یونجه - منداب - کولزا<sup>۲</sup> - بزرگ و چاودار<sup>۳</sup> محصول عمده آن کشور می‌باشد. در طول ده سال اخیر تعداد کارگر کشاورز و همچنین مزارع در کانادا به نحو فاحشی تقلیل یافت، تا جائیکه عمده کارگر که در سال ۱۹۶۱ در حدود ۶۸۱۰۰۰ نفر بود در سال ۱۹۷۱ به ۵۱۰۰۰۰ نفر تقلیل پیدا کرد و از عمده مزارع به تعداد ۵۰۰۰۰ مزرعه کاسته شده است.

کاهش سکنه روستاها (به نفع شهرها)<sup>۳</sup> و تقلیل صادرات گندم (بعلت نبودن

---

۱- آکر (Acre) ۴۰۴۷٪ هکتار = ۴۰/۴۷ آر (ARE)

۲- Colza

۳- بین سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۷۱ در جمعیت بخش کشاورزی کاهشی برابر ۴۸۵۴۱۶

نفر پیدا شده است.



تقاضا) موجب شد از اراضی سطح زیر کشت گندم کاسته شود تا جائیکه سطح زیر کشت که در سال ۱۹۶۰ حدود ۲۹ تا ۳۰ میلیون آکر بود در سال ۱۹۶۹ به حدود ۲۵ و در سال ۱۹۷۰ به حدود ۱۲/۵ میلیون آکر یعنی معادل نیمی از سال ماقبل کاهش یافت، از این رود دولت با دادن جایزه کشاورزان را تشویق به کشت سایر غلات که مازاد دارند نمود و برای اینکار معادل ۴۰ میلیون دلار اختصاص داد که در طول ۳ سال به کشاورزانی که زمین آنها بر اثر عدم کشت گندم به صورت آیش در آمده چنانچه در آن زمین به کشت علوفه پردازند برای هر آکر ۱۰ دلار بپردازد. با این سیاست دولت، تعداد زیادی از کشاورزان غرب کشت علوفه و دانه‌های روغنی را جانشین گندم ساختند.

### بهره‌گیری از منابع ثروتمندی

گرچه سابقه اکتشاف مواد معدنی و استخراج ذغال سنگ و آهن کانادا را به قرون ۱۷ و ۱۸ نسبت می‌دهند ولی آنچه که مسلم است پس از جنگ دوم جهانی استخراج به سرعت توسعه یافت تا جائیکه تولید مواد معدنی که در سال ۱۹۴۵ به ارزش ۴۹۹ میلیون دلار بوده به ارزش ۵۹۱۶ میلیون دلار در سال ۱۹۷۱ افزایش یافت و این تولید در سالهای قبل به ارزش ۵۷۱۳ میلیون دلار در سال ۱۹۷۰ و به مبلغ ۴۷۳۶ میلیون دلار در سال ۱۹۶۹ بیش نبوده است. برای درک اهمیت و ارزش منابع معدنی در اقتصاد کانادا کافی است به میزان سرمایه‌گذاری در رشته صنایع و معادن آن کشور اشاره شود. بطوریکه آمار نشان می‌دهد در سال ۱۹۷۰ بالغ بر ۱۱۸۷ میلیون دلار وسیله شرکت‌های اکتشاف و استخراج معادن (بجز نفت و گاز) جهت استخراج و صدور تولیدات مواد معدنی سرمایه‌گذاری و خرج شده است، هم‌اکنون بالغ بر ۳۰۰ معدن در حال فعالیت می‌باشند که ارزش مواد معدنی فلزی (آهن -- نیکل -- مس -- سرب -- روی -- طلا -- و نقره) ۵۰٪ و مواد سوختنی (نفت و گاز طبیعی) ۳۴٪ ارزش کل تولیدات را تشکیل می‌دهند.

مواد معدنی غیر فلزی و مصالح ساختمانی هر يك تا حدود ۸٪ از این ارزش را دارا می باشند.

از مواد معدنی پر ارزش فلزی باید سنگ آهن را در کانادا ذکر کرد که طبق آمار منتشره از طرف سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۶ ذخیره آهن شناخته شده این کشور به حدود ۱۱ میلیارد تن برآورد شده است و طبق همین آمار ذخیره آهن جهان ۲۵۰ میلیارد تن (ذخیره بالقوه آن ۲۰۰) و ذخیره آهن روسیه ۱۰۰ و انازونی ۴۲ و برزیل ۴۵ میلیارد تن تخمین زده شده است. کارشناسان کانادایی خود ذخیره آهن کانادا را به حدود ۳۰ میلیارد تن پیش بینی نموده اند و عقیده دارند که این ذخیره در حدی است به فرض آنکه میزان استخراج سریعاً افزایش یابد می تواند این ذخیره چند قرن جوابگوی نیازمندیهای کانادا باشد. جمعاً در کانادا ۲۰ معدن در حال استخراج هستند و میزان استخراج در سال ۱۹۷۰ در حدود ۴۷ میلیون تن بوده است که در مقایسه با کشورهای تولیدکننده عمده جهان (روسیه ۱۹۲ - انازونی ۸۷ - فرانسه ۵۶ میلیون تن) در سال مذکور مقام چهارم را دارا بوده است. مصرف داخلی آهن کانادا چندان زیاد نیست و قدرت جذب بازارهای آن متناسب با تولید نمی باشد، چنانچه در فاصله سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ افزایش تولید ۲۴۰٪ بوده ولی مصرف بیش از ۶٪ افزایش نیافته بدین معنی که از ۸/۶ میلیون تن تا ۱۰/۹ میلیون تن متجاوز نبوده است. با آنکه مصرف کنندگان کانادایی از واردات آهن به نفع تولیدات داخلی در ده سال اخیر کاسته اند و در سال ۱۹۷۰ میزان واردات از ۲ میلیون تن که ۲۰٪ کل مصرف می باشد تجاوز نمی کرد و حتی در سال ۱۹۷۱ این ضریب به ۱۰٪ کاهش یافت مع الوصف در مصرف تولیدات داخلی چندان تغییر محسوس حاصل نشد. تولیدات آهن کانادا بیشتر روانه کشورهای خارج می شود و این کشور سالانه بطور متوسط ۷۵٪ تولیدات خود را به خارج صادر می نماید، هر چند که میزان تقاضای داخلی کانادا به آهن ناچیز می باشد در مقابل نیازمندیهای جهانی به این ماده خام سریعاً در حال افزایش است. در سال ۱۹۵۰



احتیاجات جهانی از ۳۰۰ میلیون تن تجاوز نمی کرد در حالی که این نیازمندی در سال ۱۹۷۰ به ۷۵۰ میلیون تن افزایش یافت و پیش بینی می شود که این رقم در سال ۱۹۸۰ به ۱۲۰۰ میلیون تن بالغ گردد. افزایش سریع تقاضا و مصرف و کثرت استخراج تقریباً قسمت عمده ای از منابع شناخته شده جهانی را از ذخیره خالی ساخته است، چنانچه در معادن مسایی (مینر سوتای آمریکا) آثار پایان ذخیره (مانند معادن خالی شده) بتدریج آشکار می شود. اتا زونی در حدود نیم میلیارد تن از ذخایر آهن را در دوران جنگ استخراج نموده و ذخایر آن به حدود ۲ میلیارد تن تقلیل یافته است. این کاهش حیات صنایع ذوب آهن آن کشور را مورد تهدید قرار داده و نگرانی شدیدی برای دولت آمریکا فراهم ساخته است. برای مقابله با این بحران شرکت های بزرگ آمریکا بر آن شدند که به اکتشاف و استخراج آهن در سایر نقاط خاصه در کانادا و آمریکای جنوبی بپردازند، اکتشاف و استخراج آهن کبک و انتاریو در کانادا متعاقب همین مقابله با کمبود آهن می باشد.

روی و مس و نیکل از دیگر مواد معدنی فلزی سرزمین کانادا می باشند. تولید روی از نظر ارزش در میان سایر تولیدات استخراجی کانادا مقام پنجم را دارا می باشد و میزان تولید آن حدود  $\frac{1}{3}$  تولید جهانی است. تولید فلز نامبرده در ۱۰ سال اخیر تقریباً ۳ برابر شده است و این کشور از لحاظ تولید روی مقام اول را بجز در کشورهای کمونیست جهان دارا می باشد، میزان تولید آن در سال ۱۹۷۱ معادل  $\frac{1}{2}$  میلیون تن بوده است. تولید مس کانادا در سال ۱۹۷۱ برابر ۷۱۴ هزار تن بوده و این کشور در میان کشورهای غیر کمونیست از نظر تولید مس مقام چهارم را دارا می باشد. کانادا قسمت اعظم نیکل خود را از ناحیه سادبوری<sup>۱</sup> در انتاریو بدست می آورد که تولید سال ۱۹۷۱ آن کشور حدود ۲۹۳ هزار تن بوده که نسبت به سال ماقبل (ظاهراً بعلت افزایش دستمزدها) حدود ۱۲ هزار تن کاهش داشت.

پنبه کوهی یکی دیگر از منابع معدنی مهم کانادا محسوب می شود با تولید ۱/۶ میلیون تن در سال ۱۹۷۱ مقام هفتم را در کانادا در بین سایر تولیدات مواد معدنی دارا بود. کانادا تقریباً  $\frac{1}{3}$  مصرف سالانه جهانی پنبه کوهی را پس از روسیه شوروی تولید می کند و ۸۰٪ از پنبه کوهی آن از استان کبک بدست می آید. بهره گیری از منابع نفت و گاز یکی از فعالیت های عمده رو به توسعه کانادا می باشد. در سال ۱۹۷۱ هیدرو کربورهای استخراج شده آن کشور «نفت ۵۰۰ میلیون بشکه - گاز طبیعی ۲۲۹۸ میلیارد فوت مکعب - پروپان و بوتان ۸۸ میلیون بشکه» جمعاً به ارزش ۱۸۷۲ میلیون دلار بوده که نسبت به سال ماقبل حدود ۱۴٪ افزایش داشته است. تولید گاز طبیعی کانادا پیوسته در حال افزایش است بطوریکه تولید که در سال ۱۹۶۰ از ۵۲۳ میلیارد فوت مکعب تجاوز نمی کرد در سال ۱۹۷۱ به حدود ۲۲۹۸ میلیارد فوت مکعب افزایش حاصل نمود. افزایش تولید و مصرف گاز در کانادا مرهون وجود لوله گاز است که از غرب به شرق «مراکز مصرف» کشیده شده است.

صنایع کارخانه ای اثر قابل توجهی در اقتصاد کانادا دارد،  $\frac{1}{4}$  مزد بگیران کانادا در صنایع کارخانه ای اشتغال دارند. در سال ۱۹۷۰ حدود ۱۶۶۷ هزار نفر در صنایع کارخانه ای اشتغال داشته اند در حالی که جمع کل شاغلین در صنایع ۶۸۳۹ هزار نفر متجاوز نبود.  $\frac{5}{7}$  کل تولیدات کانادا از آن صنایع کارخانه ای می باشد.

صنعت اتومبیل سازی از صنایع مهم در کانادا محسوب می شود. در سال ۱۹۷۱ از تولیدات این صنعت جمعاً به ارزش ۳۷۴۶ میلیون دلار که ۷/۶٪ ارزش تولیدات صنایع کارخانه ای را تشکیل می داد به خارج فرستاده شد که حدود یک میلیارد دلار از فرستاده های بعد از جنگ دوم فزونی داشته است. این افزایش سریع ناظر



بر موافقت نامه آمریکا و کانادا د اثر بر معافیت گمرکی بین دو کشور می باشد.

تصفیه نفت سومین صنعت مهم کانادا از لحاظ صدور بخارج می باشد، در سال ۱۹۷۱ صادرات آن کمی بیش از نیمی از فرستاده های صنایع اتومبیل را تشکیل می داد. تولید سیمان در کانادا جهت مصالح ساختمانی حائز اهمیت است و مقام نهم را در بین سایر تولیدات مواد معدنی در این کشور دارا می باشد. در انتاریو و کبک که تولید کننده عمده سیمان می باشند به ترتیب ۱۳ و ۱۴ کارخانه سیمان وجود دارد. صنایع چوب ۱۷٫۷٪ صادرات کانادا را در سال ۱۹۷۱ تشکیل می داد. حدود ۱۰۰۰۰۰ میل مربع از مساحت این کشور را اراضی جنگلی پوشانده که ۸۰٪ جنگلهای مفید آن متعلق بدولت می باشد و بهره گیری از آن در آمد سرشاری را برای کشور کانادا در بر دارد.

از لحاظ تولید برق کانادا یکی از مهمترین تولید کنندگان برق خصوصاً برق آبی می باشد. در سال ۱۹۷۰ مراکز تولید برق آن کشور جمعاً ۲۰۴ میلیارد کیلووات ساعت الکتریسیته تولید نموده اند که ۷۶٪ آن الکتریسیته آبی بوده است. از کل الکتریسیته تولیدی (معادل ۲۰۲ میلیارد کیلو وات ساعت) ۵۷٪ آن جذب صنایع گردیده، ۲۲٪ بمصرف منازل و مزارع و ۱۳٪ دیگر در مؤسسات تجارتي مصرف شده است و در این سال حدود ۲ میلیارد کیلو وات ساعت برق به انازونی فروخته شده است. مهمترین مرکز الکتریسیته آبی کانادا که می توان آنرا بزرگترین مرکز الکتریسیته جهان دانست مرکز بوهارنوآ (نگارنده از آن بازدید نموده) بقدرت ۱ ۵۷۴ ۲۶۰ کیلووات ساعت می باشد که در ۲۵ میلی شهر مونتر آل روی رودخانه سن لوران قرار دارد. این مرکز دارای ۳۶ توربین و ۲ توربین کمکی است که سالانه بالغ بر ۱۱/۲ میلیارد کیلووات ساعت برق تولید مینماید. از طرفی دیگر کانادا دارای ۵ مرکز برق اتمی می باشد که اولی بقدرت ۲۰۰۰۰۰ کیلو وات ساعت از سال ۱۹۶۲ شروع بکار کرده و ۴ مرکز دیگر جمعاً بقدرت ۵۰۸۳۰۰۰۰۰

کیلووات ساعت می باشد که از برخی از آنها هم اکنون بهره برداری می شود و پیش بینی میشود که تا سال ۱۹۷۸ از نیروی برق کلیه آنها استفاده شود.

### ارزیابی تقریبی مبادلات کالا

کانادا از لحاظ تجارت خارجی ششمین کشور بعد از اتازونی - آلمان فدرال - انگلستان - ژاپن و فرانسه محسوب می شود. صادرات آن کشور در سال ۱۹۷۱ جمعاً بالغ بر ۱۷۷۰۴ میلیون دلار و واردات آن برابر ۱۵۶۰۸ میلیون دلار بوده و موازنه ای معادل ۲۰۹۶ - میلیون دلار داشته است. بر اثر افزایش تقاضای اتازونی و تانی بازارهای ماورا بحار و ناپایداری ارزش پولهای معتبر و اعلام برنامه جدید اقتصاد آمریکا مقصد صادرات کانادا از سال ۱۹۷۱ عمیقاً به سوی آمریکا تغییر جهت داده است و درصد صادرات به سوی بازارهای آمریکا از ۶۴٫۵٪ به ۶۷٫۵٪ افزایش یافته در حالی که درصد صادرات به مقصد انگلستان از ۸٫۵٪ به ۷٫۸٪ و به مقصد بازار مشترک از ۷٫۳٪ به ۶٫۳٪ تقلیل یافته است و این کاهش کمتر در آمریکای لاتین به چشم می خورد چه در این کشورها از ۳٫۴٪ به ۳٫۲٪ بیش تنزل نیافته و در ژاپن از ۴٫۹٪ به ۴٫۶٪ کاهش داشته است و در کشورهای مشترک المنافع (کامنولث)<sup>۱</sup> صادرات کانادا بیش از ۳٫۵٪ در مقابل ۳٫۸٪ جذب نشده است.

در سال ۱۹۷۱ اتازونی جمعاً کالا به ارزش ۱۰۹۴۳ میلیون دلار به کانادا صادر نموده که این رقم نسبت به سال ماقبل معادل ۱۰۲۶ میلیون دلار افزایش داشته است، در حالی که جمع افزایش صادرات کانادا به سایر کشورهای جهان در همین سال از ۸۶۰ میلیون دلار تجاوز نمی کرد حتی در برخی از کشورها مانند انگلستان و ژاپن و بازار مشترک و آمریکای جنوبی و کشورهای مشترک المنافع جمعاً صادرات به میزان ۲۹۰ میلیون دلار کاهش هم یافته است. این تقلیل به سود اتازونی بوده چه کفه ترازو را به طرف آن کشور متمایل ساخته و موجب جذب کالای بیشتری که هم قدرت خرید و هم نیاز بدان داشته شده است. این کاهش صادرات به سایر کشورها

---

1- Commonwealth



و افزایش خرید آمریکا نشانه تغییر جهت صادرات آن کشور به سوی اتازونی می باشد. ۳ کشور در جهان از لحاظ مبادله کالا با کانادا به ترتیب تقدم اتازونی انگلستان -- ژاپن مقام اول تا سوم را دارا می باشند.

### ارزش صادرات کانادا در سالهای ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۱ به میلیون دلار

نام کشور	۱۹۶۷	۱۹۶۸	۱۹۶۹	۱۹۷۰	۱۹۷۱
اتازونی	۷۰۷۹	۸۹۴۱	۱۰۲۳۷	۱۰۵۷۹	۱۱۶۶۵
انگلستان	۱۱۶۹	۱۲۰۹	۱۰۹۱	۱۴۶۵	۱۳۴۵
ژاپن	۵۷۲	۶۰۶	۶۲۴	۸۱۰	۷۸۹

### ارزش واردات کانادا در سالهای ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۱ به میلیون دلار

نام کشور	۱۹۶۷	۱۹۶۸	۱۹۶۹	۱۹۷۰	۱۹۷۱
اتازونی	۸۰۱۶	۹۰۴۸	۱۰۲۴۳	۹۹۱۷	۱۰۹۴۳
انگلستان	۶۷۳	۶۹۶	۷۹۰	۷۳۸	۸۳۷
ژاپن	۳۰۴	۳۶۰	۴۹۵	۵۸۱	۸۰۱

از تجزیه و تحلیل ارقام فوق این نتیجه بدست می آید که رشد صادرات کانادا به دو کشور انگلستان و ژاپن در طول پنج سال به ترتیب از ۱۵٪ به انگلستان و ۳۷٪ به ژاپن بیش نبوده در صورتیکه در همین مدت صادرات کانادا به سوی اتازونی از رشدی معادل ۶۴٪ برخوردار بود و همچنین واردات کانادا از اتازونی در سال ۱۹۷۱ افزایشی معادل ۲۹۲۷ میلیون دلار نسبت به پنج سال پیش

(۱۹۶۷) نشان می‌دهد درحالی‌که این افزایش برای کشورهای انگلستان و ژاپن در همین مدت حدود ۱۶۴ میلیون دلار از انگلستان و ۴۹۷ میلیون دلار از ژاپن بوده است و واردات از کشورهای مشترك المنافع تقریباً تغییری نیافته بلکه ثابت هم مانده است.

### وابستگی اقتصاد کانادا به آمریکا

ایالات متحده آمریکا که خود بزرگترین تولیدکننده و مصرف‌کننده در جهان محسوب می‌شود برای کانادای تهیه‌کننده مواد اولیه و خام اهمیت سرشاری قائل است، زیرا این کشور می‌تواند غالب نیازمندیهای خود را به‌سادگی از کشور همسایه و هم‌مرز شمالی خود بدست آورد، و این اهمیت بیش از پیش به‌هنگام مناقشات بین المللی و بسته شدن احتمالی راههای حمل مواد اولیه (مناقشات اخیر کشورهای عربی در مورد قطع جریان نفت بسوی آمریکا) مشهود و آشکار می‌گردد، به همین علت و انگیزه است که قسمت اعظم سرمایه‌گذاری‌های خارجی آمریکا در بخش استخراج معادن و صنایع کانادا اختصاص داده شده است.

آمریکائیه‌ها سهم عمده‌ای در صنایع و معادن آهن کانادا دارا می‌باشند. توجه صاحبان صنایع فولاد آمریکا بیشتر معطوف به سرمایه‌گذاری و اکتشاف و استخراج معادن آهن در کانادا می‌باشد، ۷۰٪ تولید سنگ آهن کانادا در دست شرکتهای معادن اتازونی است و ۲۸٪ آن وسیله مؤسسات کانادائی تهیه می‌شود. از کل صادرات سنگ آهن کانادا ۷۷٪ آن به سوی اتازونی است. افزایش سریع تقاضا و مصرف و کثرت استخراج آهن در اتازونی تقریباً قسمت عمده‌ای از منابع شناخته شده آن کشور را تهی ساخته و آن کشور را نیازمند به این ماده اولیه و خام نموده است. واردات آهن اتازونی که در فاصله سالهای ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۶ سه برابر شده و به ۳۰ میلیون تن رسیده بود در سال ۱۹۷۰ این رقم واردات به حدود ۴۳ میلیون



تن بالغ گردید که  $\frac{1}{3}$  مصرف آن کشور را تشکیل می‌داد. کانادا مهمترین تأمین کننده این نیازمندی اتازونی است که حدود ۲۴ میلیون تن (تقریباً بیش از جمع سایرین) سنگ آهن به سوی اتازونی گسیل داشته است. برای مقابله با این بحران شرکتهای بزرگ آمریکا به اکتشاف و استخراج آهن در کانادا پرداختند که قسمت اعظم تولیدات معادن کشف شده آن جهت رفع نیازمندیهای صنایع آهن و فولاد اتازونی اختصاص یافته است. بعلاوه دول متحده آمریکا سنگ روی نیوفونلند<sup>۱</sup> «سرزمین تازه» در کانادا را تصفیه می‌نماید. کانادا برای توسعه صنعت و استخراج و ذوب سرب از سرمایه‌های سرشار دول متحده آمریکا بهره‌مند می‌شود و انگهی کانادا تولید کننده ۹۰٪ از نیکل جهان است که آمریکا معادل ۴۰٪ از تولید جهانی را جذب می‌کند. در کانادا ذخایر ذغال سنگ آن کشور بیشتر در ناحیه آلبرتا<sup>۲</sup> و کلمبی انگلیس واقع شده است، چون این معادن از مراکز صنعتی و پرجمعیت آن کشور مانند کبک و انتاریو و تورنتو<sup>۳</sup> دور می‌باشند از این رو این کشور ذغال سنگ مورد نیاز خود را از دول متحده آمریکا خریداری می‌نماید. چه مخارج حمل و نقل ذغال از معادن آلبرتا به عنوان مثال تاتورنتو سه برابر مخارج حمل و نقل ذغال از ناحیه پنسیلوانیا<sup>۴</sup> تا تورنتو است. همین اتکاء به ذغال سنگ اتازونی است که سبب شده تولید ذغال در کانادا چندان توسعه نداشته باشد. تولید ذغال این کشور در سال ۱۹۷۱ در حدود ۱۹۳ میلیون تن بود و کانادا سالانه بطور متوسط حدود ۱۷۸ میلیون تن واردات ذغال دارد. کانادا برای صنایع آهن و فولاد خود از ذغال سنگ آپالاش و سنگ آهن مسابی<sup>۵</sup> در اتازونی استفاده می‌نماید و انگهی این

- 
- 1- New Found—Land
  - 2- Alberta
  - 3- Toronto
  - 4- Pennsylvanie
  - 5- Messabi

کشور بهترین بازار فروش محصولات صنعتی کارخانه‌هایی مانند دترویت<sup>۱</sup> بو فالو<sup>۲</sup> تولید<sup>۳</sup> می‌باشد. اتازونی از سوی دیگری از مشتریهای عمده برق کانادا است در سال ۱۹۷۰ بالغ بر ۲۳۸۶ میلیون کیلووات ساعت برق از کانادا دریافت داشته است. ارزانترین الکتریسیته آبی جهان در کانادا تولید می‌شود چه هر کیلووات ساعت نیرو برای مصارف خانگی در کانادا ۱۶ سنت است در حالیکه همین مقدار نیرو در آمریکا ۲۵ سنت به فروش می‌رسد. کانادا قسمت اعظم نفت خام و گاز طبیعی خود را به اتازونی صادر می‌کند. و صادرات گاز آن کشور به حدود ۹۱۰ میلیارد فوت مکعب به ارزش ۲۵۴ میلیون دلار در سال ۱۹۷۱ بود که نسبت به سال ۱۹۷۰ معادل ۱۶٪ افزایش داشته است. تقاضای گاز آمریکا پیوسته در حال فزونی می‌باشد و کانادا در سال ۱۹۷۱ حدود ۲۷۰ میلیون بشکه نفت خام به ارزش ۷۸۶ میلیون دلار به آمریکا صادر نموده که نسبت به سال ۱۹۷۰ معادل ۲۱٪ افزایش (برابر ۲۴۴ میلیون بشکه) داشته است.

در کانادا غالب تأسیسات و تشکیلات تجارتي و هتلها و بناهای بزرگ تجارتي در دست شرکتهای آمریکائی است و با سرمایه آن کشور اداره می‌شوند. طرح احداث خط لوله گاز به ظرفیت چهار میلیارد فوت مکعب در روز «قابل توسعه بعدی» وسیله کنسرسیومی متشکل از موسسات آمریکائی و کانادائی با سرمایه ۸۲ میلیارد دلار در دست اجرا است این خط از اقیانوس شمالی<sup>۴</sup> تا اقصی نقاط جنوبی کانادا ممتد خواهد بود، بدین ترتیب که از ساحل آلاسکا شروع و از مرز کلمبی انگلیس گذشته تا مرز اتازونی در ایالت مونتانا کشیده می‌شود، این خط سپس در خاک اتازونی به سوی پنسیلوانیا پیش رفته تا کالیفرنیا منتهی خواهد شد. طبق پیش بینی که شده ساختمان این خط لوله در سال ۱۹۷۷ الی ۱۹۷۹ پایان خواهد یافت.

- 
- 1- Detroit
  - 2- Buffalo
  - 3- Toledo
  - 4- Ocean Arctique



همین مسائل و ده‌ها مسائل دیگر سبب شد که ایالات متحده کوشش می‌کند با برقراری روابط بسیار نزدیک نظارت دائم و شدیدی بر اوضاع کشور کانادا داشته باشد، و بطور قاطع می‌توان گفت که هم‌اکنون روابطی نزدیکتر از روابط بین کانادا و آمریکا بین سایر دول وجود ندارد. کانادا مهمترین شریک آمریکا محسوب می‌شود، دو کشور در کلیه سطوح خواه در سطح دولتی خواه در امور شرکتهای خصوصی با هم در تماس دائم می‌باشند، کلیه مسائل بین دو دولت با تفاهم کامل بین دولتین حل و فصل می‌شود. دو کشور غالب امور جاری خود را از طریق مذاکره مستقیم انجام می‌دهند. چنانچه اموری مانند مسائل مربوط به محیط زیست در مرزها پیش آید آن را از طریق تشکیل کمیسیون مختلط دو جانبه یا یک کمیسیون مختلط بین‌المللی بررسی و اداره می‌کنند. دو کشور برای دفاع مشترک سازمانی دائمی به نام سازمان دفاع کانادا و آمریکا دارند. برای صید - برای بازاریابی - موازنه پرداختها - همچنین برای سایر بخشها تشکیلات دائمی و متناسب بوجود آوردند، هر ساله جهت بررسی مسائل مورد علاقه دو کشور جلساتی از نمایندگان مجلس دو کشور تحت عنوان گروه پارلمانی تشکیل می‌شود، به اضافه جهت توسعه اقتصادی بین دو کشور یک کمیته عالی تجارت و اقتصاد در سطح وزارتخانه‌های دو کشور وجود دارد که پیوسته روابط اقتصادی بین دو کشور را زیر نظر داشته و بررسی می‌کند.

حذف ویزا و روادید و ایجاد تسهیلات گمرکی موجب توسعه رفت و آمد توریستها بین دو کشور گردید، تاجائیکه قسمت اعظم کانادائیه‌ها که به خارج مسافرت می‌کنند مقصد آنها اتازونی است، همچنین بیشتر توریستهای خارجی کانادا از آمریکا می‌باشند. در سال ۱۹۷۱ بالغ بر ۳۴۳ میلیون کانادائی به اتازونی برای اقامت بیش از دوازده روز سفر کردند، در همین سال در حدود ۳۸۵ میلیون آمریکائی به کانادا مسافرت نمودند. جمع در آمد این دو کشور در سال ۱۹۷۰ بدین ترتیب آمریکا ۹۳۶ و کانادا ۱۰۸۲ میلیون دلار بوده است. برای نشان دادن اهمیت این تسهیلات کافی

است که اشاره کنیم از کل درآمد آمریکا از مسافرین خارجی در سال ۱۹۷۰ که مبلغ ۱۴۶۰ میلیون دلار بوده فقط ۵۲۴ میلیون دلار آن از غیر کانادائی‌ها و عواید کانادا در همین سال از راه توریستی که معادل ۱۲۳۴ میلیون دلار بر آورد شده است تنها ۱۵۲ میلیون دلار آن از کشورهای دیگر (غیر آمریکائی) بدست آمده است. در زمینه مالی و سرمایه‌گذاری بین دو کشور آمریکا و کانادا بستگی شدیدی وجود دارد، دو کشور مهم‌ترین مشتری و خریدار کالای هم هستند. در سال ۱۹۷۱ آمریکا در حدود ۶۸٪ کل صادرات کانادا را به ارزش ۱۱۶۶۵ میلیون دلار جذب نموده و در همین سال ۲۴٪ از کل صادرات اتازونی به ارزش ۱۰۹۴۳ میلیون دلار به کانادا فرستاده شده است.



وضع و شرایط آب و هوایی مونترال<sup>۱</sup> در ۳۰ سال اخیر برحسب  
اندازه‌گیری که شده

مقدار برف برحسب اینچ	مقدار باران برحسب اینچ	درجه حرارت برحسب فارنهایت <sup>۲</sup>		ماه‌های سال
		حداقل	حداکثر	
۲۲/۳	۱/۱۶	۹/۲	۲۳/۳	ژانویه
۲۳/۸	۰/۶۴	۱۰/۹	۲۴/۹	فوریه
۱۸/۵	۱/۴۹	۲۱/۷	۳۴/۸	مارس
۴/۲	۲/۸۳	۳۵/۷	۵۰/۷	آوریل
—	۳/۱۹	۴۷/۷	۶۵/۱	مه
—	۳/۶۰	۵۷/۵	۷۴/۲	ژوئن
—	۴/۰۱	۶۲/۶	۷۸/۹	ژوئیه
—	۳/۳۶	۶۰/۶	۷۶/۸	اوت
—	۳/۷۴	۵۲/۲	۶۷/۷	سپتامبر
۰/۶	۳/۲۸	۴۱/۸	۵۶	اکتبر
۷/۹	۲/۶۷	۳۰/۴	۴۱/۴	نوامبر
۲۰/۸	۱/۳۹	۱۵	۲۷/۲	دسامبر

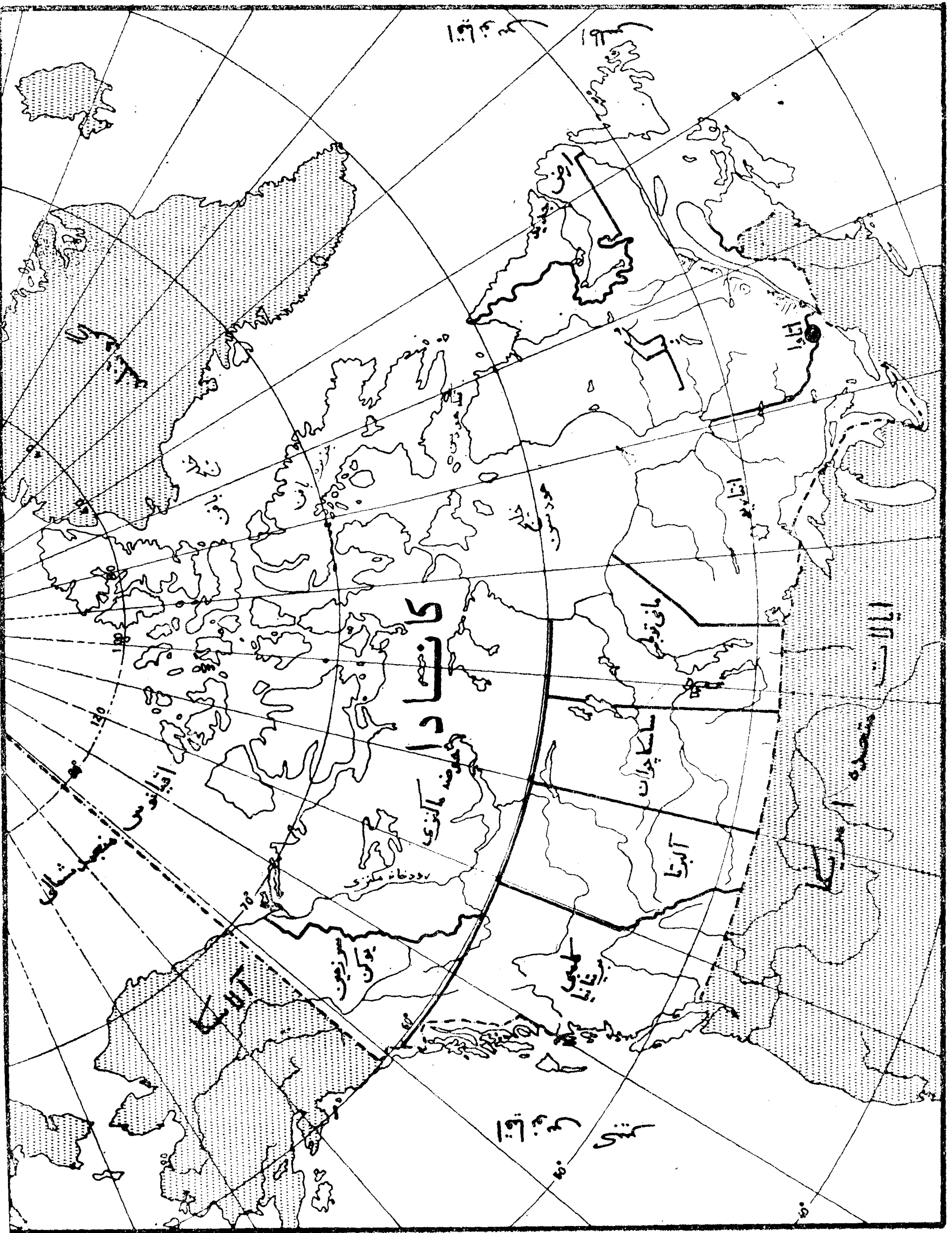
۱- مونترال به وسعت ۶۸۰۰۰ میل مربع با حومه (۱،۹۷۱،۰۰۰) یکی از شهرهای مهم و معتبر کانادا در آمریکای شمالی است و در ردیف هفتم از مراکز اجتماع شهری قاره آمریکا محسوب می‌شود جمعیت آن در شهر ۱،۱۹۷،۷۵۳ و با حومه ۲،۸۰۰،۰۰۰ نفر است تقریباً ۱۲/۵٪ جمعیت کانادا و حدود ۴۰٪ سکنه کبک را شامل است.

۲- برای تبدیل درجه فارنهایت به سانتیگراد به طریق زیر محاسبه می‌شود.

$$C = (F - 32) \times 5 : 9$$

$$F = (C \times 9) : 5 + 32$$





ایران

عراق

اسرائیل

کابل

ایران

عراق

اسرائیل

بغداد

خلیج فارس

اسکندریه

مصر

سودان

یمن

عمان

قطر

کویت

مقیاس ۱:۱۰۰,۰۰۰